



Volume 4, Issue 1, 2024

Differential Criminalization of Verbal Violence towards Specific Victims in the Criminal Laws of Iran and England

Amir Hesam Razi¹, Ali Reza Mohammad Beyki*², Zainab Riazat³

1. Ph.D. Student in of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Edalat University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 15-28

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0006-0918-2164

TELL: +989126161679

Email:

ali.mohammadbeygi@iauctb.ac.ir

Article history:

Received: 29 Jan 2023

Revised: 01 Agu 2023

Accepted: 09 Sep 2023

Published online: 20 Mar 2024

Keywords:

Differential Criminalization, Verbal Violence, Specific Victims, Iranian Criminal Law, English Criminal Law.

ABSTRACT

Differential criminalization of verbal violence occurs, especially considering the characteristics of specific victims and their more physical or psychological injuries. Verbal violence occurs in spoken or written form and in the form of using insulting, slanderous, false or sarcastic words. In Iran, this type of violence is criminalized under the title of "insult" and there is no differential approach regarding its prohibition, but some other countries such as England, especially under the influence of international documents, in addition to examples of public insult, with a special approach, Verbal violence has also been criminalized independently and specifically and differentially. The purpose of the current research is to investigate the concept of verbal violence and the effects of differential criminalization of this type of violence towards specific victims in the criminal laws of Iran and England. The current type of research is fundamental, its approach is descriptive-analytical, its method is library study, and the tool for collecting information is also a survey. The result of the present research is that the differential criminalization of verbal violence towards specific victims is usually implemented in the form of intensifying the punishment of the perpetrator or not including the institutions of friendship towards the perpetrator of the crime, and the English criminal law has taken steps in this direction. but Iran's criminal law has not paid much attention to this issue.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Razi, AH; Mohammad Beyki, AR & Riazat, Z (2024). "Differential Criminalization of Verbal Violence towards Specific Victims in the Criminal Laws of Iran and England" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(1): 15-28.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به بزه‌دیدگان خاص در حقوق کیفری ایران و انگلستان

امیر حسام راضی^۱، علیرضا محمدیکی^{۲*}، زینب ریاضت^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

چکیده

جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی، به‌ویژه با عنایت به ویژگی‌های بزه‌دیدگان خاص و آسیب‌دیدگی بیشتر آن‌ها از حیث جسمانی و یا روانی رخ می‌دهد. خشونت کلامی، به‌صورت گفتاری و یا نوشتاری و در قالب استفاده از الفاظ و واژگان توهین‌آمیز، افتراگونه، کذب یا مشتمل بر تمسخر و طعنه رخ می‌دهد. در ایران، این نوع خشونت تحت عنوان «توهین»، جرم‌انگاری شده و رویکرد افتراقی در باب ممنوع‌انگاری آن وجود ندارد اما برخی دیگر از کشورها مانند انگلستان به‌ویژه تحت تأثیر اسناد بین‌المللی، علاوه بر مصادیق توهین عام، با رویکردی خاص، خشونت کلامی را نیز به‌صورت مستقل و خاص و به‌صورت افتراقی جرم‌انگاری کرده‌اند. هدف در پژوهش حاضر، بررسی مفهوم خشونت کلامی و جلوه‌های جرم‌انگاری افتراقی این نوع خشونت نسبت به بزه‌دیدگان خاص در حقوق کیفری دو کشور ایران و انگلستان است. نوع پژوهش حاضر، بنیادی، رویکرد آن، توصیفی-تحلیلی، روش انجام آن، مطالعه کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات در آن نیز فیش برداری است. نتیجه حاصل از پژوهش حاضر این است که جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به بزه‌دیدگان خاص، به‌طور معمول، به‌صورت تشدید مجازات مرتکب و یا عدم شمول نهادهای ارفاقی نسبت به مرتکب جرم، عملی می‌شود که حقوق کیفری انگلستان در این راستا گام برداشته است لیکن حقوق کیفری ایران، چندان به این امر نپرداخته است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۸-۱۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۲۱۶۴-۲۰۹۱۸-۰۰۰۶-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۹۱۲۶۱۶۶۷۹

ایمیل: ali.mohammadbeygi@iauctb.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

جرم‌انگاری افتراقی، خشونت کلامی، بزه‌دیدگان خاص، حقوق کیفری ایران، حقوق کیفری انگلستان.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

پدیده خشونت کلامی، یکی از شایع‌ترین اشکال ارتکاب خشونت در روابط و تعاملات روزمره میان افراد است. در این نوع خشونت، از ابزار زبان و گفتار و یا نوشتار برای ارتکاب توهین و هتاک‌ی نسبت به دیگری و یا انتساب برخی رفتارها به دیگری از قبیل نشر مطالب کذب، افتراء، هجو و... استفاده می‌شود. این خشونت، هم در عرصه‌های زندگی عمومی و هم در برخی حوزه‌های تعاملی خاص از جمله روابط میان والدین و فرزندان و یا روابط میان زوجین، دارای اهمیت خاصی است و بنابراین، به‌عنوان یک رفتار ممنوع و دارای آثار و تبعات منفی، می‌تواند موضوع حقوق کیفری و جرم‌انگاری و کیفرگذاری قرار گیرد. خشونت کلامی، یکی از مهم‌ترین و درعین‌حال، رایج‌ترین اقسام و گونه‌های رفتار خشونت‌بار است که گاه در برخی روابط خاص اجتماعی از جمله رابطه شاگرد و استادی، رابطه خادم و مخدومی، رابطه زوجیت میان زوج و زوجه، رابطه ابوت و بنوت میان والدین و فرزندان و... میزان ارتکاب و وقوع آن به مراتب افزایش می‌یابد. به سبب معضلاتی که ممکن است به واسطه ارتکاب خشونت در کلام رخ دهد، امروزه، ممنوع‌انگاری خشونت کلامی، یک ضرورت غیر قابل اجتناب است. از یک‌سو، به‌کار بردن الفاظ رکیک و توهین‌آمیز در روابط و تعاملات روزمره عمومی و خاص، نمونه‌ای بارز از بی‌اخلاقی و ناهنجاری در گفتار است که به‌طور معمول، یکی از قواعد زندگی اجتماعی و از جمله مهم‌ترین مسائل مورد تأکید در تعالیم اخلاقی و دینی است (صالحی و علی اصغرزاده، ۱۴۰۰: ۱۴۸-۱۲۷). از سوی دیگر، خشونت کلامی، ممکن است چه‌بسا زمینه را برای مقابله به مثل طرف مقابل و بالا گرفتن اختلافات و مجادلات میان افراد شود و این وضعیت، احتمال وقوع خشونت‌های روانی و عاطفی شدیدتر و یا حتی خشونت‌های جسمانی افراد نسبت به یکدیگر را بالا می‌برد. بارها دیده و شنیده شده است که برخی از قتل‌ها و ضرب و جرح‌ها و منازعات، از به‌کار بردن یک واژه رکیک و ناسزا آغاز شده است. مروری بر برخی پرونده‌های کیفری مطرح در محاکم و مراجع قضایی کشور، گویای این واقعیت است. در عین حال، با وجود اینکه در

برخی نظام‌های حقوقی، جرم‌انگاری عادی و ساده در مورد این پدیده رخ داده است و به‌طور معمول، مصادیق خشونت کلامی، همان مصادیق توهین در معنای عام هستند ولی در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی، علاوه بر مصادیق عام توهین، خشونت کلامی به‌ویژه نسبت به اقشار و افراد خاص و آسیب‌پذیر نظیر زنان، کودکان، سالمندان و معلولان جسمی و ذهنی نیز جرم‌انگاری شده‌اند که می‌توان این قبیل جرم‌انگاری‌ها را جرم‌انگاری‌های افتراقی خشونت کلامی نامید. نمونه بارز این نظام‌های حقوقی، انگلستان است. در نوشتار حاضر، کوشش شده است ضمن بررسی معنای خشونت کلامی و مبانی ممنوع‌انگاری و جرم‌انگاری آن، رویکرد حقوق کیفری ایران و انگلستان نسبت به جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی بنا بر ویژگی‌های بزه‌دیدگان خاص (زنان، خردسالان، سالمندان و معلولان)، بررسی شود. از حیث ادبیات و پیشینه پژوهش باید گفت این مقوله، تا کنون در تألیفات حقوقی در کشور ما مورد بررسی نبوده است و آنچه تا به حال، به زیور طبع آراسته شده، غالباً در مورد مفهوم خشونت کلامی بوده است. بر این اساس، تحقیق پیش رو، دارای نوآوری و جدید محسوب می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد سؤال مقاله بدین شکل مطرح می‌شود که مبانی جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به بزه‌دیدگان خاص چیست و رویکرد حقوق کیفری ایران و انگلستان در این خصوص خاص چگونه است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا مبانی جرم‌انگاری و ممنوع‌انگاری خشونت کلامی و در ادامه رویکرد حقوق کیفری ایران و انگلیس نسبت به جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به بزه‌دیدگان خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- مبانی جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به بزه‌دیدگان خاص

به‌طور کلی، می‌توان مبانی جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به بزه‌دیدگان خاص در قوانین و مقررات کیفری را شامل مبانی اخلاقی، مبانی فلسفی، مبانی حقوقی و مبانی جرم‌شناختی دانست. این مبانی در ادامه بررسی می‌شوند.

۱-۱- مبانی اخلاقی

اخلاق حکم می‌کند که انسان‌ها در روابط و تعاملات روزمره خود، به‌صورت همه‌جانبه، رعایت موازین حرمت‌گذاری و حفظ منزلت فردی و اجتماعی یکدیگر را وجهه همت خود قرار دهند. در واقع، یک مبانی مهم ممنوع‌انگاری خشونت کلامی، غیر اخلاقی بودن آن هم از حیث اخلاق فردی و هم از منظر اخلاق جمعی و اجتماعی است. اساساً جرم‌انگاری توهین (در معنای عام و دال بر همه اقسام و گونه‌های آن) در قوانین و مقررات کیفری، به‌ویژه به سبب اهمیتی است که قانونگذار برای صیانت از حدود و ثغور اخلاقی در روابط میان افراد در جامعه دارد و گرنه اگر قانونگذار، حفظ حرمت و کرامت انسان‌ها را منظور نمی‌داشت، دلیلی هم بر جرم‌انگاری توهین و دیگر اقسامش از جمله افترا، قذف و... وجود نمی‌داشت (خدییو زنده، ۱۳۸۸: ۲۸-۲).

۲-۱- مبانی فلسفی

گفته شده است که جامعه انسانی، متشکل از انسان‌هایی است که در کنار یکدیگر، یک اجتماع را تشکیل داده‌اند و این اجتماع، نمی‌تواند سازمانی بی‌نظم و انتظام باشد زیرا در این صورت، هیچ احتمالی به جز بالا گرفتن تنش‌ها و تنازعات و در نهایت، نابود شدن جامعه انسانی، فراروی اجتماعات نخواهد بود. بر این اساس، فلسفه زندگی اجتماعی انسان‌ها در کنار یکدیگر، اقتضا می‌کند که مجموعه منسجمی از قواعد و ضوابط بر روابط و تعاملات روزمره انسان‌ها حاکم باشد. بخش مهم و قابل توجهی از این قواعد و ضوابط را دستورالعمل‌ها و معیارهای اخلاقی شکل دهنده به رفتار سالم تشکیل می‌دهد. بر این اساس، می‌توان اینگونه فرض کرد که عدم رعایت ضوابط رفتاری در تعاملات روزمره به‌ویژه ضوابط حاکم بر نحوه گفتار و رابطه کلامی انسان‌ها با یکدیگر، رفته‌رفته، بنیادهای تشکیل جامعه انسانی را به نابودی می‌کشاند و موجب می‌شود جامعه انسانی، از درون، از معنا تهی شود. پس، ممنوع‌انگاری خشونت‌های کلامی در قوانین و مقررات کیفری، جلوه بارزی از صیانت از فلسفه تشکیل و تأسیس و پایه گذاری

جامعه انسانی است (عبداللهی نژاد و مجلسی، ۱۳۹۷: ۶۱-۶۱).

۳-۱- مبانی حقوقی

خشونت کلامی، در ذات خود، یک پدیده حقوقی است یعنی موضوعی است که در هر صورت، در دایره شمول دانش حقوق قرار می‌گیرد. چه از حیث اخلاقی به مقوله نگرسته شود و چه از منظر فلسفی، تردیدی نمی‌توان روا داشت که خشونت‌های کلامی، رفتاری است که باید در قید و بند قانون قرار گیرد و قانونگذار، با تعیین آن به‌عنوان یک رفتار مجرمانه، در واقع، حوزه و عرصه روابط و تعاملات میان فردی انسان‌ها در جامعه را لگام بزند و تحت انقیاد خود قرار دهد. به‌عبارت‌دیگر، از آنجا که یکی از اهداف عالی دانش حقوق به‌طور کلی و حقوق کیفری به‌طور خاص، تنظیم روابط اجتماعی در جامعه انسانی است، لذا نمی‌توان مقوله خشونت کلامی را به سکوت برگزار کرد و به سادگی از کنار آن گذشت بلکه باید با جرم‌انگاری و کیفرگذاری مناسب و هدفمند نسبت به آن، اقتدار نظام حقوقی در مواجهه با هتاکان و حرمت شکنان که چه‌بسا حد و مرز مشخصی برای رفتارهای توهین‌آمیز خود قائل نباشند، به نمایش گذاشته شود. بر این اساس، جرم‌انگاری خشونت‌های کلامی در قوانین و مقررات کیفری، به‌طور مستقیم، هدف تحمیل ضمانت اجرای کیفری برای تنظیم روابط اجتماعی افراد نسبت به یکدیگر را دنبال می‌کند.

۴-۱- مبانی جرم‌شناختی

در نهایت، می‌توان از مبانی جرم‌شناختی ممنوع‌انگاری خشونت‌های کلامی سخن گفت. امروزه در ادبیات جرم‌شناختی راجع به خشونت‌های کلامی، یکی از مهم‌ترین مبانی حاکم بر جرم‌انگاری خشونت کلامی در قوانین و مقررات کیفری در نظام‌های حقوقی که اقدام به کیفرگذاری نسبت به این رفتار خشونت‌بار نموده‌اند، اصل یکسان‌پنداری خشونت کلامی با خشونت فیزیکی است. یکسان‌انگاشتن خشونت کلامی با خشونت‌های جسمانی، به این معنا است که هرچند از حیث ماهیت و یا اقسام و گونه‌ها، خشونت کلامی با خشونت‌های جسمانی متفاوت است ولی از حیث

رویکردها و رویه‌های قانونگذاری صورت نداده است. فی‌المثل، ارتکاب خشونت کلامی از سوی والدین نسبت به فرزندان (یا برعکس) و یا زوج نسبت به زوجه (یا بالعکس) و یا خادمان در برابر مخدومان (از جمله روابط میان صاحبان کار و کارگران)، همچنان مشمول رویه‌های معمول و مرسوم است و نمی‌توان آن‌ها را موضوع جرم‌انگاری و کیفرگذاری افتراقی و خاص راجع به خشونت کلامی دانست. این وضعیت، متفاوت با رویکردی است که در برخی دیگر از کشورها و نظام‌های حقوقی، شاهد هستیم. بنابراین، به نظر می‌رسد نظام حقوق کیفری ایران، با وجود آنکه در زمینه مقابله مرسوم و عادی کیفری با مظاهر خشونت کلامی، راه صواب در پیش گرفته لیکن در عرصه جرم‌انگاری‌ها و کیفرگذاری‌های افتراقی نسبت به خشونت‌های کلامی به‌ویژه نسبت به اقشار و افراد خاص، با خلاء جدی روبه‌رو است.

باید گفت ممنوع‌انگاری و جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی، نسبت به برخی اقشار آسیب‌پذیر جامعه، با حساسیت بیشتری مواجه است و مورد توجه بیشتری نیز بوده است و تأکید نیز بر این قرار گرفته است که حمایت کیفری خاص و افتراقی از این اقشار خاص در خشونت‌های کلامی، باید در دستور کار سیاست‌گذاران جنایی قرار گیرد. نمونه بارز افرادی که نسبت به آن‌ها مقوله ممنوع‌انگاری خشونت کلامی، مهم‌تر ارزیابی می‌شود، زنان هستند. در این زمینه گفته شده است که سلامت، صرفاً به بعد جسمی منحصر نیست و در کنار آن، سلامت روان نیز موضوع بسیار مهمی است و بنابراین، تأمین و تضمین حق بر سلامت و حمایت کیفری از آن، شامل بعد روانی سلامت نیز می‌شود. در میان اقشار مختلف جامعه، برخی به سبب ویژگی‌های خاص جسمانی و روانی، آسیب‌پذیرتر و در نتیجه، مستحق حمایت‌های قوی‌تر و کارآمدتر حقوقی هستند. زنان از جمله این اقشار هستند که به دلیل جایگاه خاص آن‌ها در اجتماع و در خانواده، در مباحث مربوط به تأمین و تضمین حق بر سلامت و مقوله حمایت کیفری از این حق، مورد توجه بیشتر قرار گرفته‌اند. از جمله سلامت روان زنان، مقوله‌ای بسیار مهم است که تأمین و تضمین آن، به‌ویژه از رهگذر حمایت کیفری

اثرگذاری نسبت به مخاطب، تفاوتی با خشونت‌های فیزیکی و جسمانی ندارند و چه‌بسا گاه نسبت به برخی از افراد آسیب‌پذیر از حیث جسمانی و روانی و عاطفی، آثاری به مراتب شدیدتر و بغرنج‌تر از خشونت‌های جسمانی دربرداشته باشند. می‌توان تصور کرد کودک یا زن یا سالمند یا معلولی، مخاطب توهین یا افترا یا قذف و... قرار گیرند؛ طبعاً آثار ارتکاب این جرائم بر این دسته افراد، بیشتر از افرادی است که از حیث روانی یا عاطفی، می‌توانند مقاومت بیشتری از خود نشان دهند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۴۹).

۲- رویکرد حقوق کیفری ایران به جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به بزه‌دیدگان خاص

حقوق کیفری ایران، مصداق‌های گوناگونی از خشونت‌های کلامی را جرم‌انگاری کرده است. در حقوق کیفری ایران، نمونه‌های خشونت کلامی که موضوع جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند، در یک قالب‌بندی کلی، ذیل عنوان توهین در معنای عام، دسته‌بندی و تقسیم و تفکیک می‌شوند. توهین در معنای عام، به خودی خود، به جرائم دیگری تفکیک می‌شود از جمله قذف، سبّ نبی که این دو جرم، مجازات حد دارند. از سوی دیگر، جرائم نظیر افترای لفظی، نشر اکاذیب و هجو نیز مصادیق دیگری از توهین به معنای عام هستند که مجازات تعزیری برای آن‌ها منظور شده است. در عین حال، برخی دیگر از اقسام توهین‌ها تحت عنوان توهین‌های خاص در رویکرد دکترین و نیز رویه قضایی محاکم ایرانی پذیرفته شده است که یا بسته به زمان ارتکاب و یا بر اساس مکان ارتکاب و یا بر مبنای موضوع توهین، توهین‌های با مجازات‌های شدیدتر نسبت به توهین ساده و یا اصطلاحاً توهین‌های تعزیری مشدده به‌شمار می‌آیند. بر این اساس، می‌توان گفت خشونت‌های کلامی، به‌عنوان رفتارهای مجرمانه، در نظام حقوق کیفری ایران، هم به‌صورت ساده و هم به صوت مشدده، جرم‌انگاری و موضوع کیفرگذاری قرار گرفته‌اند.

با این حال، به نظر می‌رسد حقوق کیفری ایران، نسبت به ارتکاب خشونت‌های کلامی نسبت به برخی افراد و اقشار خاص جامعه، چندان اقدامی در راستای افتراقی کردن

۱۳۷۵^۱ است که هرچند خشونت کلامی را به صورت صریح شناسایی نکرده است ولی با استفاده از عبارت «با الفاظ ... به آنان توهین نماید ...»، گویا به خشونت در کلام و گفتار نسبت به زنان، عنایت داشته است.

مطابق شرع و برابر با ماده ۲۵۰ قانون مجازات اسلامی ایران و در راستای حمایت از حقوق زوجه، انتساب عمل زنا به زوجه عاقل، بالغ، مسلمان، معین و غیرمتظاهر (اگر چه مرده باشد) مستلزم هشتاد ضربه شلاق حدی و عدم پذیرش شهادت زوج در محاکم قضایی است (نور/۴؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۴۳۸). اعمال این مجازات در صورتی است که شوهر با برخورداری از کمال و با وجود عنصر روانی و علم به معنای لفظ انتسابی، به طور صریح و بدون تعریض نسبت به ابراز اتهام زوجه اقدام نماید (حلی، ۱۴۰۸: ۱۴۹). و برای این ادعای خود نیز بینه شرعی نداشته باشد که موافق با منطوق آیه ۶ سوره نور «وَالَّذِينَ يَزْمُونَ زَوَاجَهُمْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ» می‌باشد. بدیهی است که ادعای زوج با اتصاف به بینه شرعی، در حق زوجه ثابت و اجرای حد مرتفع می‌گردد و مانند دعوی عادی با شهادت شهود، زوجه، زانیه محسوب می‌گردد و شوهر (در صورت تمایل) می‌تواند او را طلاق دهد. در صورتی که زوجه نیز متقابلاً زوج را به زنا یا لواط متهم نماید، طبق قاعده، می‌بایستی هر کدام از زوج و زوجه به هشتاد تازیانه شلاق حدی محکوم گردند اما به دلیل نصوص وارد در این خصوص (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۱)، حد از هر دو ساقط و تعزیر بر هر دو ثابت می‌گردد (خویی، ۱۴۲۲: ۲۲۲). قانونگذار نیز به تاسی از آموزه‌های دینی، این امر را در بند «ث» ماده ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی مورد تصریح قرار داده است.

منطبق با قوانین جزایی ایران که برگرفته از منابع معتبر فقهی است، برای تعدد اتهام بی‌مبالاتی زوجه در مسأله زناشویی از طرف زوج و با عجز وی از اقامه بینه شرعی،

می‌تواند صورت گیرد. علاوه بر زنان، کودکان و نوجوانان نیز دیگر قشر حساس جامعه هستند که خشونت کلامی نسبت به آن‌ها در سیاست جنایی تقنینی ایران، چندان جایگاه مشخصی ندارد. به این دو گروه، باید دو قشر دیگر را نیز اضافه کرد؛ یکی، سالمندان و دیگر، معلولان جسمی و ذهنی. در مورد این دو گروه اخیر نیز اقدامی در راستای جرم‌انگاری خشونت کلامی صورت نگرفته است.

بحث بیشتر پیرامون رویکرد نظام کیفری ایران نسبت به جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی علیه این چهار قشر خاص جامعه در ادامه ارائه می‌گردد؛

۲-۱- زنان

جدیدترین اقدامی که در نظام کیفری ایران راجع به جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به زنان صورت گرفته، تدوین لایحه موسوم به «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» در اواخر کار دولت دوازدهم و ارسال آن به منظور بررسی و تصویب نهایی در مجلس شورای اسلامی است که البته تا زمان نگارش این سطور (آبان ۱۴۰۲)، اقدامی در این راستا در قوه مقننه کشور صورت نگرفته است. در ماده ۱ از فصل اول این لایحه و در بخش تعاریف و کلیات، خشونت اینگونه تعریف شده است؛ «هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که به جهت جنسیت یا موقعیت آسیب‌پذیر یا نوع رابطه مرتکب، بر زن واقع شود و موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم یا روان یا شخصیت، حیثیت و یا محدودیت یا محرومیت از حقوق و آزادی‌های قانونی وی گردد». همانگونه که مشخص است، هیچ اشاره مشخص و صریحی به امکان کلامی بودن خشونت نسبت به زنان در این لایحه نشده است و اینگونه به نظر می‌رسد که خشونت کلامی به‌عنوان نوع خاص و حتی مبتلابه از خشونت نسبت به زنان در این لایحه، مسکوت مانده است.

از سوی دیگر، با برخی نمونه‌های جرم‌انگاری خشونت در کلام و گفتار نسبت به زنان در دیگر قوانین مصوب کشور روبه‌رو هستیم. نمونه بارز، ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات مصوب

^۱ - در این ماده می‌خوانیم: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید، به ... محکوم خواهد شد.»

صرفاً «سوء رفتار» نسبت به کودکان و نوجوانان تعریف شده است.^۱ در این تعریف، واژه‌های توهین و تهدید، می‌توانند نمونه‌هایی از خشونت کلامی نسبت به کودکان و نوجوانان باشند. با این حال، یک نقد مهم قابل طرح نسبت به این تعریف، آن است که قانونگذار با درج قید «در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد»، گویا به‌طور کلی، توهین و تهدیدهای دارای جنبه تأدیبی را در زمره خشونت کلامی نسبت به کودکان و نوجوانان در نظر نگرفته است. با این حال، اقدام قابل دفاع قانونگذار در این قانون، تعریف «وضعیت مخاطره آمیز» است. به حکم ماده ۳ این قانون، برخی موارد، «... در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود: ...» برخی از امور مورد اشاره در این ماده، در بند «ج»، خشونت مستمر والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی و در بند «ژ»، سوء رفتار نسبت به طفل و نوجوان دانسته شده است. با این حال، خشونت کلامی به‌عنوان یک مفهوم حقوقی - جرم‌شناختی، هیچگاه به‌صورت رسمی، وارد گفتمان تدوین‌کنندگان این قانون نشده است.

۲-۳- سالمندان

در مورد سالمندان و ارتکاب رفتارهای خشونت‌بار نسبت به آن‌ها از جمله به‌صورت کلامی، هیچ مقرر قانونی در نظام کیفری ایران به چشم نمی‌خورد. بر این اساس، در فرض ارتکاب خشونت کلامی نسبت به آن‌ها، باید مقررات عام کیفری را به اجرا درآورد و لذا نمی‌توان بحثی از رویکرد افتراقی در جرم‌انگاری خشونت کلامی نسبت به سالمندان در حقوق کیفری ایران داشت. با این حال، اشاره به این نکته نیز لازم است که لایحه موسوم به «لایحه جامع قانون

سه فرض متصور است (اسدی و مرتاضی، ۱۳۹۶: ۱۴). اول. جایی که زوج صاحب چندین زوجه باشد و هر یک را به‌طور منفرد متهم نماید، شکی نیست که زوج در برابر همه آن‌ها به حد متعدد محکوم می‌گردد. دوم. درجایی که زوج، زوجه متعدد را با یک لفظ متهم نماید که خود دو حالت دارد. حالت اول این است که زوجه‌ها با هم خواهان اقامه حد باشند که زوج در این حالت تنها به یک حد محکوم می‌شود و در حالت دوم هر کدام از آنها به‌طور جداگانه خواستار اجرای حد هستند که بر زوج در قبال هر یک، حد جداگانه‌ای جاری می‌شود و دلیل این امر، اجماع فقها و اخبار وارده در این خصوص است (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۰۴).

در این مقام، چنین به ذهن آدمی متبادر می‌شود که اگر زوجی دارای چهار زن باشد و هر یک به‌صورت جداگانه خواهان حد باشند، بر زوج چهار حد ثابت می‌گردد. از طرفی چون در متون فقهی، تکرار حد موجب قتل مرتکب در مرتبه چهارم است و برخی از فقها نیز ثبوت قتل را در مرتبه سوم لازم دانسته‌اند (گلیپاگانی، ۱۴۱۲: ۲۱۷). پس با اجرای سه بار حد، زوج در مرتبه چهارم و با تقاضای همسر چهارم کشته می‌شود. اما این تصور با وجود قاعده درء و حدیث «تدرء الحدود بالشبهات» منتفی است و در حد، تنها به قدر متیقن اکتفا می‌گردد. یعنی در مواردی که زوج بعد از اجرای هر حد، اتهام بی‌مبالاتی به زوجه را مجدداً تکرار نماید. از ظاهر کلام فقها «إذا تکرر الحد بتکرر الفذف» نیز همین معنا برمی‌آید. سوم. در این فرض هرگاه زوج، زوجه خود را چند بار به یک سبب (قبل از اجرای حد) متهم نماید، تنها اقامه یک حد بر زوج ثابت می‌گردد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۵۳۷).

۲-۲- کودکان و نوجوانان

وضعیتی مشابه زنان را باید در مورد کودکان و نوجوانان تصور کرد به این صورت که پدیده خشونت کلامی نسبت به خردسالان نیز مورد شناسایی رسمی تقنینی در ایران قرار نگرفته است. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (اصلاحی ۱۳۹۹) و در فصل اول تحت عنوان «کلیات»،

^۱ در تعریف سوء رفتار آمده است: «هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قراردادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی»

سند امنیت قضایی (مصوب ۱۳۹۹) که به موجب آن، «مظنونان، متهمان، شهود و مطلعان به هیچ وجه نباید در معرض رفتارهای غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار بگیرند. هرگونه شکنجه جسمی یا روحی، اجبار به اقرار یا ادای شهادت یا ارائه اطلاعات، رفتار توأم با توهین و تحقیر کلامی یا عملی، خشونت گفتاری یا فیزیکی و آزار جنسی یا هتک حیثیت و آبروی اشخاص مذکور از هر نوع و همچنین هرگونه تهدید، اعمال فشار و محدودیت بر خود فرد یا خانواده و نزدیکان اشخاص فوق، در هر شرایطی مطلقاً ممنوع است...».

مشاهده می‌شود که توجه به پدیده خشونت کلامی در نظام حقوقی ایران، الزاماً به صورت قانون گذاری خاص و افتراقی نبوده و الزاماً نیز اقدام به تعریف و اجرای ضمانت اجراهای کیفی مشخصی به صورت مجازات انجام نشده است. به همین دلیل در نظام حقوقی ایران، تعریف مشخصی از خشونت کلامی، مصادیق و معیارهای شناسایی آن وجود ندارد و در عین حال، رویکرد قانون گذار در ارتباط با این مصداق خاص از خشونت در روابط اجتماعی روزمره، مبتنی بر مجازات افتراقی خاصی نیز نیست. البته ذکر این نکته نیز لازم است که با وجود آنکه برای رفع این نقصان، تاکنون تلاش‌هایی برای ورود پاره‌ای از جلوه‌های خشونت کلامی به نظام حقوقی ایران صورت گرفته است (مانند آیین نامه پیشنهادی سینماگران در ارتباط با منع خشونت جنسی - جنسیتی که در آن به خشونت کلامی جنسی علیه زنان اشاره شده است) اما این تلاش‌ها بدون نتیجه باقی مانده است و بنابراین، همچنان نمی‌توان مدعی وجود یک سیاست جنایی مشخص درباره پدیده خشونت کلامی در نظام حقوقی ایران بود. در این نظام، سکوت قانون گذار در زمینه خشونت کلامی، بر رویه قضایی و دیدگاه قضات دادگستری نیز تأثیرگذار بوده است؛ به طوری که این موضوع در آرای صادره از محاکم، تاکنون چندان مورد توجه قرار نگرفته است و بر این اساس، آرای که از سوی دادگاه‌ها در مورد پدیده خشونت کلامی صادر شده، الزاماً تفکیک خاصی میان این نوع خشونت و دیگر مصادیق آن قائل نیستند و لذا وضع و تعیین مجازات‌ها در مورد این بعد از خشونت، فرق خاصی با وضع و تعیین مجازات‌ها در مورد دیگر ابعاد خشونت ندارد و

حمایت از سالمندان»، سالمندآزاری را عبارت دانسته است از آزار جسمی، آزار جنسی، آزار روانی، آزار اجتماعی و غفلت که به نظر می‌رسد یکی از مصادیق آزار روانی را می‌توان خشونت کلامی دانست. همچنین در ماده ۸ این لایحه، یکی از حقوق سالمندان را حق تکریم و احترام آن‌ها دانسته است. در ماده ۱۸ این لایحه، یک الزام غیر قابل انکار نسبت به سالمندان را مصونیت آن‌ها از هر گونه آزار جسمی یا روانی دانسته است. با این حال، هیچ جرم‌انگاری خاصی نسبت به پدیده خشونت کلامی علیه سالمندان در این لایحه، صورت نگرفته است.

۲-۴- معلولان جسمی و ذهنی

وضعیت جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به معلولان جسمی و ذهنی نیز در کشور ما چندان امیدبخش نیست. در حال حاضر، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان که در سال ۱۳۸۳ در کشور ما به تصویب رسیده و در سال ۱۳۹۴ نیز برخی اصلاحات در آن، اعمال شد، به عنوان مهم‌ترین متن تقنینی راجع به حقوق معلولان در نظام حقوقی ما، هیچ مقرره خاصی در باب جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به این قشر بسیار حساس و آسیب‌پذیر جامعه ندارد و بدین ترتیب، در مورد این گروه نیز نمی‌توان سخن از جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی داشت.

در جمع‌بندی می‌توان گفت در نظام حقوقی ایران، قوانین موجود، به صراحت، اشاره‌ای به پدیده «خشونت کلامی» ندارند و تنها در برخی قاعده‌گذاری‌ها (که الزاماً به صورت قانون مصوب لازم‌الاجرا مطرح نبوده و بیشتر به صورت رویه‌های اجرایی می‌توانند مطرح باشند) آن هم به طور جزئی و جانبی، به خشونت کلامی یا گفتاری اشاره شده است مانند ماده ۵۴ منشور حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۹۵) که بیان می‌دارد: «حق همه شهروندان به ویژه زنان و کودکان است که از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری دیگران در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی مصون باشند و در صورت بروز هر نوع خشونت، امکان دسترسی آسان به مکان‌های امن و نهادهای امدادی، درمانی و قضایی جهت احقاق حق خود را داشته باشند.» و یا ماده ۲۰ بخشنامه رئیس محترم قوه قضاییه در خصوص

Abuse مورد شناسایی حقوقی قرار گرفته، جرم‌انگاری و با مجازات روبه‌رو شده است. علاوه بر این، در رویه قضایی انگلستان نیز رفتارهایی که مصداق خشونت کلامی به‌شمار می‌آیند (از جمله فحاشی‌ها، استفاده از الفاظ رکیک برای صدادن و مخاطب قرار دادن دیگران و...) در آرای متعددی از دادگاه‌های این کشور (مانند *Mr C. Bessong v. others Miss B Wright* و *Mr Shaun Burgess v. James و Pennine Care* و *Jones*)، مورد توجه قضات انگلیسی بوده‌اند. بر این اساس می‌توان گفت، این کشور دارای قواعد جامع و منسجمی در خصوص پیشگیری از خشونت کلامی در وهله اول و مجازات مرتکبان آن در وهله بعد است و لذا انگلستان را می‌توان در زمره نظام‌های سیاست جنایی دانست که رویکرد مشخصی در مورد پدیده خشونت کلامی دارند (McCarty, 2017: 144).

رویکرد حقوق کیفری انگلستان نسبت به جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نیز با محوریت چهار گروه آسیب‌پذیر جامعه یعنی کودکان و نوجوانان، زنان، سالمندان و معلولان جسمی و ذهنی، قابل بررسی است که بحث مبسوط در این باره، در ادامه خواهد آمد.

۳-۱- زنان

مهم‌ترین منبع تقنینی در نظام حقوقی انگلستان راجع به جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به زنان، «قانون منع و جرم‌انگاری خشونت‌های فیزیکی و روانی علیه زنان» است که در سال ۲۰۱۵ میلادی روزآمد شد و دست‌کم سه ماده آن، این‌نحو جرم‌انگاری را مد نظر قرار داده‌اند؛ مواد ۱۲، ۹-۱۳ و ۴-۱۵. در ماده ۱۲، ارتکاب هرگونه خشونت در گفتار نسبت به زنان و دختران به‌ویژه زنانی که در شرایط زیستی جسمانی یا روانی نامناسب قرار دارند، مرادف با خشونت‌های فیزیکی نسبت به آن‌ها محسوب شده است. این ماده تصریح دارد که خشونت زبانی، تهدید، فحاشی، هر نوع توهین به واسطه دین و عقیده، ملیت، علائق سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، طرح مطالب کذب و رسواکننده، افشای اسرار خصوصی و افشای وضعیت زندگی سابق زن، به‌عنوان

بر این اساس، مجازات‌هایی که به‌طور معمول در مورد جرائمی همچون ضرب و جرح، نزاع و... به‌صورت عمومی در حقوق جزای ایران مطرح است، نسبت به خشونت کلامی نیز تعیین می‌گردد. این مسأله سبب نامشخص بودن سیاست جنایی ایران در این زمینه و بروز ابهامات متعدد در خصوص مفهوم، مصداق و جایگاه حقوقی «خشونت کلامی» در نظام حقوقی ایران شده است.

۳- رویکرد حقوق کیفری انگلستان به جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به بزه‌دیدگان خاص

بسیاری از کشورها به‌دنبال الحاق یا عضویت در اسناد بین‌المللی به‌ویژه اسناد حقوق بشری مصوب سازمان ملل متحد مانند کنوانسیون حمایت از حقوق کودک، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارهای بی‌رحمانه و ترذیلی و کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، سازوکارهایی را برای پیشگیری از پیدایش خشونت کلامی در وهله اول و نیز جرم‌انگاری و کیفر گذاری در مورد خشونت کلامی در وهله بعد در قوانین و مقررات خود تعیین نموده‌اند. از جمله کشورها و نظام‌های حقوقی که در این زمینه، پیشرو بوده و اقدام به جرم‌انگاری پدیده خشونت کلامی نموده‌اند، نظام حقوقی انگلستان است. البته در این کشور، مقوله پیشگیری از وقوع خشونت کلامی نیز دارای اهمیت و جایگاه خاص و بایسته جرم‌انگاری و کیفر گذاری نسبت به این پدیده است (Dignan, 2015: 261).

در نظام حقوقی انگلستان، در قوانین و مقررات مختلفی، خشونت کلامی، جرم‌انگاری و با مجازات روبه‌رو شده است از جمله در قانون موسوم به «سوء رفتار خانگی» مصوب ۲۰۲۱ (*Domestic Abuse Act, 2021*) که به دنبال ظهور پاندمی کووید-۱۹ (بیماری کرونا) و الزام به اجرای قرنطینه‌های سراسری در انگلستان شد و در نتیجه، میزان حضور خانواده‌ها در منازل و خانه‌ها به‌شدت افزایش یافت و همین امر، احتمال بروز مصداق مختلف خشونت خانگی از جمله به‌صورت خشونت کلامی را در میان اعضای خانواده‌ها افزایش می‌داد، به تصویب رسید. در این قانون، به‌صراحت، خشونت کلامی که عمدتاً با عبارت Verbal

کلامی در زمان و مکان خاص از جمله شب، جای خلوت، در حضور والدین یا دوستان یا اعضای خانواده، در مدرسه و در حضور همکلاسی‌ها و اولیای مدرسه.

۳-۳-۳- سالمندان

سالمندان، قشر آسیب‌پذیر دیگری هستند که در حقوق کیفری انگلستان، جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به آن‌ها صورت گرفته است. این مورد، بر اساس متن جدید و روزآمد شده «قانون ارتقای جایگاه سالمندان در جامعه و منع خشونت‌های ساختاری» در سال ۲۰۱۸ میلادی، خشونت کلامی نسبت به سالمندان، یکی از مهم‌ترین انواع سالمندآوری‌ها است. در مقدمه توجیهی این قانون آمده است که سالمندان (افراد بالای ۵۵ سال)، باید تحت حمایت‌های کامل قانونی در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز قرار گیرند. یکی از این وضعیت‌ها در مقدمه مورد اشاره، خشونت‌های فیزیکی و روانی و عاطفی است که از جمله به صورت خشونت کلامی نسبت به سالمندان رخ می‌دهند. ماده ۴ این قانون، خشونت کلامی به صورت توهین، تهدید، تخریب شخصیتی، تنزل جایگاه و مرتبه اجتماعی، افشای اسرار و... نسبت به سالمندان را موجب تشدید مجازات تا سه درجه دانسته است. از سوی دیگر، سوء استفاده از موقعیت‌های خاص و حساسی که سالمندان در آن قرار گرفته‌اند از جمله تنهایی و خلوت، در حضور افراد دیگر، در حضور اعضای خانواده، در محیط‌های دوستانه و... و ارتکاب خشونت کلامی نسبت به آن‌ها با این سوء استفاده، موجبات تشدید مجازات مرتکب را فراهم می‌آورد (Lori A and Stiegel, 2019: 48).

۳-۴-۳- معلولان جسمی و ذهنی

به طور کلی، حمایت از معلولان جسمی و ذهنی، همواره و به ویژه در دهه‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های قانونگذار انگلیسی به ویژه در ارتباط با افزایش موارد ارتکاب خشونت نسبت به این قشر حساس بوده است. مهم‌ترین قانون حاکم بر وضعیت معلولان جسمی و ذهنی در انگلستان، قانونی است موسوم به «قانون حمایت از جایگاه اجتماعی معلولان و کاهش خشونت» که در سال ۲۰۱۴

مصادیق خشونت گفتاری یا کلامی نسبت به زنان، جرم و دارای مجازات است. در عین حال، بر اساس ۹-۱۳ این قانون، خشونت‌های گفتاری و کلامی مبتنی بر نفرت‌انگیزی و احساس تنفر از کسی به واسطه داشتن علقه خاصی به مذهب، ملیت، سیاست، فرهنگ و...^۱ چنانچه نسبت به زنان و دختران به ویژه آن دسته از زنان و دختران که در وضعیت نامتعارف زیستی به سر می‌برند، واجد مجازات بیشتری محسوب شده است. در نهایت، ماده ۴-۱۵ قانون مورد اشاره، اشعار داشته است که مجازات مرتکب خشونت گفتاری و کلامی نسبت به زنان و دختران، چنانچه موجبات مسائلی از جمله جدایی از همسر، ترک زندگی مشترک، اخراج از کار، سلب حقوقی از جمله حق حضانت فرزند، خودکشی و دیگرگشتی، خودآزاری و دیگرآزاری توسط زن خشونت دیده را فراهم آورد، بنابر نظر دادگاه و قاضی رسیدگی کننده، می‌تواند عامل تشدید مجازات باشد (Freeman, 2018: 133-135).

۳-۲-۳- کودکان و نوجوانان

کودکان و نوجوانان نیز در حقوق کیفری انگلستان، موضوع حمایت کیفری افتراقی در جرم‌انگاری خشونت کلامی قرار گرفته‌اند. در حال حاضر، بر اساس مقدمه مندرج در نسخه جدید قانون جلوگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان که در سال ۲۰۱۴ میلادی روزآمد شده است، کودکان و نوجوانان، به عنوان قشر آسیب‌پذیر، حساس و نیازمند حمایت‌های خاص و ویژه، در مواجهه با خشونت‌های گوناگون از جمله خشونت‌های زبانی و گفتاری و نوشتاری، باید موضوع حمایت خاص تقنینی قرار گیرند. بر این اساس، ماده ۹-۱۵ این قانون، هر نوع خشونت کلامی خواه به صورت زبانی و شفاهی و خواه به صورت کتبی نسبت به کودکان و نوجوانان را موجب تشدید مجازات تا سه درجه نسبت به مرتکب اعلام کرده است. گفتنی است که علاوه بر این حکم کلی، چنانچه برخی مسائل و امور دیگر مطرح باشد نیز مجازات مرتکب خشونت کلامی نسبت به کودکان و نوجوانان، باز هم تشدید خواهد شد از جمله خشونت

¹. Hate verbal violence

کیفرگذاری (ساده و یا مشدد) قرار گرفته است اما این عنوان، لزوماً یک عنوان مجرمانه مستقلی در حقوق کیفری ایران نیست. از سوی دیگر، خشونت‌های کلامی در روابط میان فردی اقبال خاصی از جامعه از جمله والدین و فرزندان، زوجین، کارگران و کارفرمایان و به‌طور کلی، نظام تعاملات و روابط اجتماعی که به‌طور معمول، یک طرف در آن‌ها دارای غلبه یا سلطه یا قدرت آمریت نسبت به طرف دیگر است، موضوع جرم‌انگاری‌ها و کیفرگذاری‌های خاص در حقوق کیفری ایران، نبوده است. این در حالی است که برخی دیگر از کشورها به‌ویژه مبتنی بر رویکرد اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، اقدام به جرم‌انگاری و کیفرگذاری مستقل و مجزا برای خشونت‌های کلامی آن‌هم به‌ویژه در برخی روابط اجتماعی و میان فردی از جمله مواردی که به آن‌ها اشاره شد، کرده‌اند و نمونه بارز این کشورها انگلستان است. نظام حقوقی ایران در زمینه حمایت کیفری از حق بر سلامت به‌طور عام و حق بر سلامت روان به‌طور خاص و حق بر سلامت روان زنان به‌طور اخص، دچار نقص‌ها و کاستی‌های عمده‌ای است که باید برای رفع آن‌ها چاره‌اندیشی کرد. از سوی دیگر، وضعیت حمایت کیفری افتراقی از دیگر بزه‌دیدگان خاص یعنی کودکان و نوجوانان، سالمندان و معلولان جسمی و ذهنی با مقرره خاصی که اقدام به جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی کرده باشند، روبه‌رو نیستیم و ناگزیر، خشونت کلامی نسبت به این سه دسته از بزه‌دیدگان خاص نیز مشمول احکام و مقررات عام کیفری است.

اصلاحات تقنینی در راستای تعیین مجازات‌های کارآمد و مؤثر نسبت به نقض کنندگان سلامت روان زنان، تدوین راهکارهای مبتنی بر تضمین قضایی حق بر سلامت زنان بخصوص از طریق ایجاد مراجع قضایی ویژه با اختیارات خاص و توجه بیشتر و عملیاتی‌تر به مفاد اسناد بین‌المللی مربوط به حق بر سلامت را می‌توان پیشنهاد داد. از طرفی اقدام به جرم‌انگاری خاص و ویژه خشونت کلامی نسبت به این سه دسته از بزه‌دیدگان خاص به‌ویژه به‌صورت تشدید مجازات و یا عدم شمول نهادهای ارفاقی نسبت به مرتکب، مهم‌ترین سازوکارهایی است که می‌توان برای ارتقای

میلادی، پس از اعمال چند اصلاح در برخی مواد، به روز شد. دو ماده ۹-۱۲ و ۱۵ این قانون، جرم‌انگاری افتراقی خشونت کلامی نسبت به معلولان جسمی و ذهنی را در دستور کار قرار داده‌اند. در ماده اول مقرر شده است: «... ارتکاب هر یک از اشکال خشونت کلامی به‌صورت توهین، تهدید، افشای اسرار، انتشار و انتساب مطالب کذب یا مجرمانه و... نسبت به معلولان جسمی و روانی، موجب تشدید مجازات مرتکب از دو تا سه درجه به حسب تشخیص قاضی رسیدگی کننده است...» در ماده دوم نیز ارتکاب هر نوع سوء استفاده از وضعیت خاص معلولیت در معلولان جسمی و ذهنی به‌منظور ارتکاب مصادیق خشونت کلامی نسبت به آن‌ها موجبات عدم امکان اعمال برخی نهادهای ارفاقی از جمله تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط را فراهم می‌آورد (Dockerty, 2018: 103-105; Hoong Sin, 2016: 144).

در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت برخلاف نظام کیفری ایران که در فرض ارتکاب خشونت کلامی نسبت به چهار دسته از بزه‌دیدگان خاص، قاعده حقوقی یا مقرره کیفری ویژه‌ای وجود ندارد و لاجرم باید به احکام و مقررات عام کیفری موجود اکتفا کرد، در نظام کیفری انگلستان، این چهار گروه از بزه‌دیدگان خاص، موضوع حمایت کیفری افتراقی قرار گرفته‌اند و ارتکاب خشونت کلامی (در مصادیق مختلف و متنوع آن) نسبت به آن‌ها یا مشمول تشدید مجازات قرار گرفته است و یا مشمول عدم امکان اجرای نهادهای ارفاقی. به این ترتیب، به نظر می‌رسد درباره حمایت کیفری ویژه و افتراقی از بزه‌دیدگان خاص در مواجهه با خشونت‌های کلامی، میان رویکرد حقوق کیفری ایران و انگلستان، فاصله معناداری وجود دارد. حال آنکه به نظر می‌رسد هیچ منعی در بهره‌مندی از تجربه حقوق کیفری انگلستان به‌منظور گسترش قلمرو حمایت‌های کیفری از بزه‌دیدگان خاص وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، مفهوم خشونت کلامی و رویکرد حقوق کیفری ایران و انگلستان نسبت به این نوع خشونت، بررسی شد. نتایج نشان داد اینکه اقسام مختلفی از خشونت‌های کلامی در حقوق کیفری ایران، موضوع جرم‌انگاری و

- خدیوی زند، محمدمهدی (۱۳۸۸). «تاسزاشناسی». فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، ۱۵ (۵۲-۵۱): ۲-۲۸.

- خویی، ابوالقاسم (۱۴۲۲). *مبانی تکمله المنهاج*. جلد چهل و یکم، چاپ هفتم، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸). *بزه‌دیده شناسی حمایتی*. جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات شهر دانش.

- صالحی، کریم و علی اصغر زاده، فاطمه (۱۴۰۰). «سیاست جنایی مشارکتی و اجرایی ایران در قبال خشونت کلامی». *مجله مطالعات حقوقی*، ۱ (۲۱): ۱۲۷-۱۴۸.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاص*. جلد پنجم، چاپ هفتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- عاملی، زین الدین (۱۴۱۳). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. جلد چهاردهم، چاپ ششم، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.

- عبداللهی نژاد، علیرضا و مجلسی، نوشین (۱۳۹۷). «خشونت کلامی در فضای مجازی». *مجله مطالعات رسانه‌های نوین*، ۴ (۱۳): ۱-۶.

- گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۲). *الدر المنصود فی أحكام الحدود*. جلد دوم، چاپ سوم، قم: دارالقرآن الکریم.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۴). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*. جلد اول، چاپ بیست و ششم، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.

ب. منابع انگلیسی

- Dignan, P (2015). *Oral Violence*. 1st ed., Beja: RRL Co.

- Dockerty, C (2018). *Disability and Domestic Abuse Risk Impacts and Response*. 1st ed., England: Public Health England Publication.

-Freeman, MDA (2018). *Verbal violence and hate speech*. 1st ed., London: Ashgate Publication.

وضعیت حقوق کیفری ایران، پیشنهاد کرد. علاوه‌براین، به‌عنوان پیشنهاد می‌توان، اصلاحات تقنینی، راهکارهای تضمین قضایی و ایجاد مراجع قضایی ویژه با اختیارات خاص و توجه بیشتر و عملیاتی‌تر به مفاد اسناد بین‌المللی مربوط به حق بر سلامت را مورد اشاره قرار داد. بر این مبنا نظام حقوقی ایران در زمینه حمایت کیفری از حق بر سلامت روان زنان، چالش‌ها و کاستی‌های بارزی دارد و باید در این زمینه، به تعیین و اجرای مجازات‌های کارآمد و مؤثر نسبت به نقض‌کنندگان این حق مبادرت کرد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده اول به‌عنوان نویسنده مسؤؤل و نویسندگان بعدی به‌عنوان همکار می‌باشند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- اسدی، محمد و مرتضای، احمد (۱۳۹۶). «خشونت کلامی خانگی علیه زنان و راهکارهای قانونی برخورد با آن». *پژوهش نامه زنان*، ۸ (۱۲): ۱-۲۰.

- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. جلد بیست و هشتم، چاپ دهم، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

- حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، چاپ پنجم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

-Hoong Sin, Ch (2016). *Disabled people's experiences of targeted violence and hostility*. 1st ed., Manchester- UK: Equality and Human Rights Commissi

-Lori, A & Stiegel, JD (2019). *Legal Issues Related to Elder Abuse A Pocket Guide for Law Enforcement*. 1st ed., America: American Bar Association Commission on Law and Aging.

-Mccarty, J (2017). *Oral Violece*. 1st ed., Beja: Sage.